

صبا



افسون دستها
در افسانه سیندرلا

دیدار معاون هنری از چندنمایش عروسکی

وی اظهار امیدواری کرد که در آینده نزدیک این موضوع عملی شود. او درباره انجام مذاکره با فرهنگسراها برای اختصاص سالن‌های آمفی تئاتر به نمایش عروسکی می‌گوید: در حال انجام رایزنی‌هایی با فرهنگسراها به طور کلی و به‌طور اخض در مورد تئاتر و تئاتر عروسکی هستیم و خوشبختانه محیط‌های خوبی برای استفاده خانواده‌ها و کودکان در فرهنگسراها وجود دارد. او اضافه می‌کند: تئاتر عروسکی می‌تواند برای جذب مخاطبان بیشتر به فرهنگسراها رونق دهد و امیدواریم در مذاکراتی که در آینده خواهیم داشت به این موضوع توجه ویژه‌ای مبذول کنیم به‌گونه‌ای که بخشی از فضای سالن‌هایشان را به تئاتر عروسکی اختصاص دهند.

دکتر محمد حسین ایمانی، معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، روز سه‌شنبه در مجموعه تئاتر شهر حاضر شد و دو نمایش "سایه‌هایی در شب" از صربستان و "روی ماه نام ترا دستی نوشته است" به کارگرانی مریم معینی تماشا کرد. وی درباره لزوم ایجاد فضاهای بیشتر برای نمایش عروسکی گفت: نمایش عروسکی مخاطبان ویژه و گسترده‌ای دارد و با توجه به گسترش مخاطب آن گونه که باید و شاید فضاهای لازم وجود ندارد. معاون هنری وزیر ارشاد اعتقاد دارد اگر بتوان سالن‌هایی را ویژه نمایش عروسکی معرفی کرد، رونق نمایش عروسکی اتفاق می‌افتد.

دکتر نشان رئیس مرکز هنرهای نمایشی:

جشنواره دوسالانه داخلی تئاتر عروسکی

درصد هستیم که در فواصل دوساله برگزار می‌شود جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران جشنواره تئاتر عروسکی دیگری در محدوده داخلی به صورت دوسالانه برگزار کنیم که هم فواصل دوره‌های جشنواره بین‌المللی را پر کند و هم رخوت و رکود جامعه نمایش عروسکی کشور را از بین ببرد.

به گزارش روابط عمومی مرکز هنرهای نمایشی، دکتر خسرو نشان با بیان مطلب فوق افزود: "جشنواره تئاتر عروسکی قطعاً موجب حرکت و پویایی در بین هنرمندان این رشته نمایش می‌شود و من امیدوارم که این هیجان فروکش نکند تا تئاتر عروسکی ما به جایگاه مطلوبی برسد". وی در پاسخ به این سؤال که چه برنامه‌ای برای فعالیت مستمر تئاتر عروسکی در طول سال دارید، گفت: "اولین اتفاق مسلماً افتتاح تالار فردوسی است که به همت خانه هنرمندان، بنیاد رودکی و مرکز هنرهای نمایشی راه‌اندازی شده است. در کنار آن، تالار هنر نیز همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد و به نمایش‌های عروسکی اختصاص دارد. که ما امیدواریم این دوسال در کنار همدیگر جریان تئاتر عروسکی کشور را ارتقا دهد".

دکتر نشان درخصوص معیارهای انتخاب گروه‌های خارجی برای حضور در جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران اظهار داشت: "مهمترین ملاک ما، انتخاب بهترین‌ها از میان گروه‌هایی بود که در مدت زمان کوتاهی با ما ارتباط برقرار کردند. همچنین ما سعی کردیم تنوع جغرافیایی گسترده‌ای را در انتخاب گروه‌های خارجی لحاظ کنیم تا پذیرای عروسک‌های بیشتر و متنوع‌تری از گوشه و کنار جهان باشیم".

استقبال از روسیه و پرتغال

استقبال از دو نمایش سیندرلا کار کشور روسیه و وارپته عروسک‌ها از کشور پرتغال در روز دوم جشنواره بی نظیر بود. در نمایش عروسکی سیندرلا یک نفر ایفای نقش تمامی شخصیت‌ها را بر عهده داشت با اینکه اکثر تماشاگران هیأت این نمایش را می‌شناختند اما هیچکس تا انتها از جای خود برنخاست. وارپته عروسک‌ها نیز نمایشی بود بدون کلام و با تکیه بر تصویر! گروه پرتغال که قبلاً خیمه‌شب بازی ما را در فستیوال‌هایشان دیده بودند، علاقه‌مند هستند که بیشتر با این شاخه سنتی نمایش عروسکی آشنا شوند.

اتاق‌های گریم سنگلج بازسازی شد

اتاق‌های گریم تالار سنگلج همزمان با برگزاری دهمین جشنواره نمایش عروسکی تهران - مبارک بازسازی شد. کیوان نخعی مدیر تالار سنگلج با بیان مطلب فوق افزود: "مدتها بود تصمیم داشتیم تعمیرات را انجام دهیم. تا اینکه با مساعدت مرکز هنرهای نمایشی این اتفاق میسر شد و کار تعمیرات به پایان رسید. تالار سنگلج از قدیمی‌ترین نمایشخانه‌های تهران به‌شمار می‌آید.

کوتاه از جشنواره

اعضای گروه‌های نمایشی روسیه، ترکیه و پرتغال با دکتر خسرو نشان، رئیس مرکز هنرهای نمایشی و بهروز غریب‌پور رئیس "مبارک یونیم" و قائم مقام دبیر جشنواره، دیدار و گفت‌وگو کردند.

اعضای این گروه‌ها که روز اول جشنواره موفق شده بودند تعدادی از کارهای ایرانی را ببینند، اظهار علاقه مندی کردند در آینده با هنرمندان تئاتر ایران ارتباط گسترده‌تری برقرار کنند.

گروه روسیه که روز اول نمایش "نه زشت نه زیبا" کار حسن دادشکر را دیده بود، این نمایش را تحسین و اظهار امیدواری کردند که علاوه بر گروه حسن دادشکر، گروه‌های ایرانی دیگری را هم به فستیوال‌هایشان دعوت کنند.

گروه ترکیه نیز اظهار علاقه‌مندی کردند که یک نمایش انفرادی عروسکی و یک نمایش پرجمعیت عروسکی را از ایران به فستیوال آینده استانبول دعوت کنند.

جلسات نقد نمایش‌های خارجی در سومین روز برگزاری جشنواره بانقد نمایش "علاءالدین" به کارگردانی الشاد رحیم زاده از کشور آذربایجان ساعت ۱۰/۳۰ امروز در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.

نمایش خارجی دیگر "درخت جادویی" به کارگردانی سنگیزاوزک از کشور ترکیه است. این جلسه ساعت ۱۱/۳۰ آغاز می‌شود و تا ساعت ۱۲/۳۰ ادامه می‌یابد.

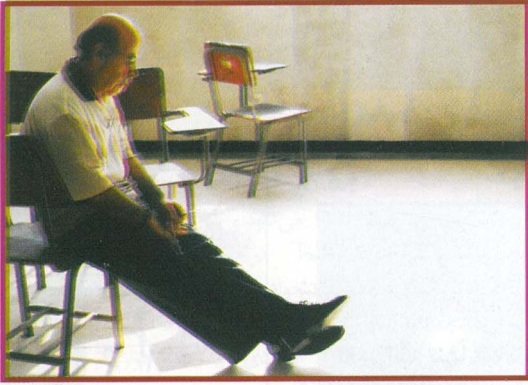
سومین جلسه نقد نمایش سیندرلا از کشور روسیه اختصاص دارد که شروع آن ساعت ۱۲/۳۰ است.



فردا این نمایش‌ها را ببینید

- ابرای زمین (فقط یک اجرا ساعت - ۱۹ تهران) کارگردان هومن شهابنگ تالار وحدت - چی شده چه خبره؟ (عادل بزودیه - تهران) تالار بزرگ ۳۰/۳۰ - ۱۸/۲۰

- هشت لحظه (زهرا صبری - تهران) تالار چهار سو ۱۸/۳۰ - ۲۰
- بوی سیب (فهیمه آصفری - تهران) تالار سایه ۱۷/۳۰ - ۱۹
- افسانه میمون‌ها (بهرام دوست‌ترین - همدان) تالار قشقای ۱۷ - ۱۹
- دماغ (مجید باغبان - تهران) تالار خورشید ۳۰/۳۰ - ۱۷/۱۹
- شاپرک خانوم (بنفشه بدیعی - تهران) تالار کوچک ۳۰/۳۰ - ۱۷/۱۹
- پهلوان کچل (داوود فتحعلی بیگی - تهران) تالار نو ۱۷ - ۱۹
- مغازه خارج کردن جوژن از منزل (چین) تالار سنگلج ۱۷ - ۱۹
- کنسرت عروسکی (ترکمستان) تالار هنر ۱۷ - ۱۹
- عجیب و غریب (نیلوفر رفیعی - تهران) کارگاه تجربه خانه هنرمندان ۱۷ - ۱۹
- سوزن و مویز (محمد عبدالملکی - سندر) تالار گفت‌وگو خانه هنرمندان ۱۸ - ۲۰



دانشجویان افق های روشنی را باز کرده اند

بهاران بنی احمدی

بعضی استانها بچه ها با اعتماد به نفس و اطمینان خاطر نمی توانند فعالیت کنند و دچار سرشکستگی می شوند و انگیزه هایشان کم رنگ می شود.

در بخش دانشجویی چطور؟ کیفیت آثار به چه شکل بود؟

دانشجویان ما افق های روشنی باز کردند که جای امیدواری دارد. این چند سال نمایش عروسکی ما در دنیا و در یونینا مطرح شده که بسیاری از آن مرهون تلاش دانشجویان و همکاران و مسؤلان بوده است. ما همیشه از دانشجویان کارهای خلاقه دیدیم و در حال حاضر کارشان تحول بزرگی در خانواده عروسکی است. حتی همین دانشجویان اثبات کردند که کار عروسکی یک بازی برای کودکان نیست.

استقبال دانشجویان تئاتر از گرایش عروسکی چطور است؟

افتضاح است و البته متأسفانه این مشکل دانشجویان نیست؛ مشکل دانشگاه است. رشته عروسکی رشته ای جدی و دشوار است و مدیریت دانشگاه ها باید توجه کنند که دانشجویان ما درگیر هزار مشکل و مسئله هستند از قبیل اقامت، هزینه تحصیل، محل خواب، شهریه و ... آنها انگیزه هایشان کم رنگ می شود و استاد به ضرب حضور و غیاب هم نمی تواند بازده لازم را از دانشجویی که این همه مشکل دارد بگیرد.

البته همانطور که گفتم علی رغم مشکلات زیاد دانشجویان عاشق کار عروسکی هم زیاد داریم انشاء الله از آنها قدردانی شود و به کارشان ارزش و احترام گذاشته شود.

"یوسف صدیق" استاد دانشگاه در رشته نمایش عروسکی است. از آن استادها که کمتر پیش می آید دانشجویان این رشته با آن واحدی را نگذرانده باشند.

او در این دوره از جشنواره نیز به عنوان بازیبن حضور داشته است و بخشی از آنچه به عنوان نمایش های پذیرفته شده در جشنواره عروسکی می بینید حاصل آرای او و البته دو عضو دیگر هیأت بازیبنی است. با او درباره نمایش های این دوره، دانشگاه و مشکلات رشته عروسکی گفتگوی مختصری انجام دادیم که می خوانید:

سطح کیفی آثار را در قیاس با سالهای گذشته چطور ارزیابی می کنید؟

به هر حال هر سال که می گذرد انتظار می رود کارها قوی تر شود و از نظر تکنیکی و محتوایی رشد کند. امسال هم کارهای بسیار خوبی داشتیم.

در بخش شهرستانها سطح کیفی آثار چطور بود؟

کارها خیلی خوب در این بخش هم زیاد بود اما نکته عجیب این است که بعضی گروه های شهرستانی که در گذشته خیلی خوب کار می کردند حالا با یک افت شدید مواجه بودند که امیدواریم با راهنمایی و مشورت تا جشنواره و برای اجرا اصلاح شوند.

دلیل افت شدید چه می تواند باشد؟

بارها گفته شده و تکرار مکررات است اما باز هم می گویم گروه ها به سالن، حمایت و صمیمیت نیاز دارند. نمی گویم به پول و مادیات ولی این حمایت و صمیمیت هم که نباشد چه چیز باقی می ماند؟ در بعضی استانها درک خیلی خوبی از این گروه ها و فعالیتشان وجود دارد اما در

ازاده انصاری کارگردان ماه پیشونی

وسوسه قصه ها در دنیای عروسکی

ندا آل طیب

عروسکهای ما عروسکهای میله ای کوچک حدود ۳۰ تا ۴۰ سانتی متری هستند و برای ساخت آنها از چوب و گل چینی استفاده کرده ایم. البته طراحی و ساخت عروسکها به عهده آقای ایمان خانی است که بعد از طراحی و ساخت عروسکهای نمایش "پیزودهای مرگبار" دومین تجربه همکاری من با ایشان است.

درباره شیوه اجرایی نمایشتان بگویید.

بیشتر از شیوه تئاتر سیاه استفاده کرده ایم.

به طور کلی وضعیت نمایش عروسکی را در ایران چگونه ارزیابی می کنید؟

به محض اینکه اسم نمایش عروسکی می آید همه هنرمندان این رشته آه از نهادشان برمی آید چون وضعیت این هنر تا امروز خوب نبوده و امیدواریم افق های روشن تری پیش رویمان باز شود چون تا به حال ما شوخی شوخی کار کرده ایم.

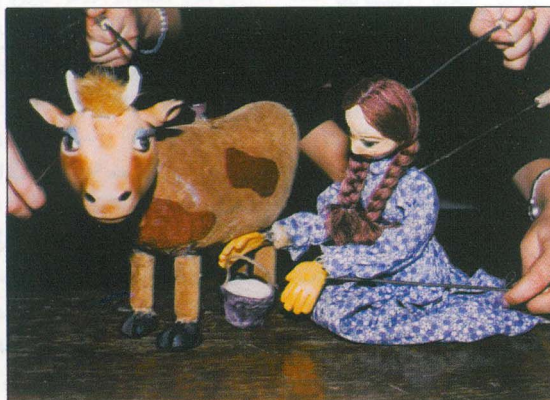
علت انتخاب قصه ماه پیشونی برای اجرای این نمایش چه بود؟

قصه ها همیشه وسوسه برانگیز هستند بویژه برای نمایش عروسکی که جنبه های تخیلی و فانتزی زیادی دارد. اما علاقه من به داستان ماه پیشونی به خیلی سال پیش برمی گردد و از دوره دانشجویی همیشه علاقه مند بودم این داستان را به شکل عروسکی اجرا کنم و البته یکی دو بار هم این کار را کردم.

این نمایش را برای چه گروه سنی اجرا می کنید؟

کودک و نوجوان. همیشه علاقه مند بودم کاری برای گروه سنی کودک انجام دهم چون کارهای قبلی ام همه بزرگسال بودند.

در ساخت عروسکها بیشتر از چه موادی استفاده کرده اید؟



عمق وجود آدمی

با توجه به اینکه سفیدبرفی داستان بسیار آشنایی است و اغلب مردم، کارتن زیبای والت دیزنی را دیده اند چه تدبیری اندیشیده‌اید تا سفیدبرفی شما متفاوت باشد؟

ما تغییراتی در داستان و شخصیت سفیدبرفی داده ایم. شخصیت‌هایی مانند پدر و مادر او را اضافه کرده ایم و نقش حمایت گرایانه خانواده را پررنگ کرده ایم. در نمایش ما طینت خوب شخصیت عروسکی به خاطر خانواده او هم هست و نه تنها زیبایی او که دل پاک و صاف و مردم دوستی او باعث نجاتش می شود.

تغییرات تنها شامل سفیدبرفی و خانواده او می شود یا دیگر کاراکترها هم تغییر می کنند؟

تکیه اصلی ما روی شخصیت ملکه است و نشان می دهیم چگونه یک آدم معمولی تبدیل به آدمی شرور و حسود می شود و درواقع داستان ما از پیش از ازدواج ملکه شروع می شود.

کوتوله ها چه؟ آیا آنها هم تغییر کرده اند؟

هفت کوتوله ما تبدیل به هفت ویژگی انسانی شده اند به این صورت که یکی نشانگر خشم است و دیگری عشق، غرور و ... که همه این رفتارها را به شکل اغراق آمیزی نشان می دهند. نقش شاهزاده هم با کارتون متفاوت است و در پایان نمایش ما ملکه نمی میرد بلکه تبعید می شود تا برای همیشه تک و تنها بماند زیرا تنهایی برای او که آدمی خودشیفته است، بدترین تنبیه است.

با این وصف، روند کلی داستان به چه شکل خواهد بود؟

کوشیده ایم روند نمایش ما خیلی شبیه همان تصویری باشد که بچه ها از داستان سفیدبرفی دارند بنابراین شکل کلی شبیه همان کارتون والت دیزنی است.

لطفاً درباره شیوه اجرایی تان هم کمی توضیح دهید.

تلفیقی از دستکشی، سایه، میله ای و زنده است زیرا سفیدبرفی و تعدادی از شخصیتها بازیگر هستند و نه عروسک. البته چون عروسکها بزرگ هستند و دو نفر یک عروسک را هدایت می کنند.



گفتگو با کارگردان نمایش "هیچ نبود"

بچه های عروسکی! خسته نباشید

آزاده کریمی

عروسک ها و چهره های آگزرجه و اغراق شده شان با این تکنیک مناسب است.

چرا چهره های عروسک را اغراق شده انتخاب کردید؟

به خاطر سبک کاری ام. قرار بود عروسک ها با این چهره های آگزرجه مفاهیم را القاء کنند و می خواستم فضای کارم از حالت رئال خارج شود.

مشکلاتی که طی تمرینات با آن برخورد کردید چه بود؟

اصولاً کار عروسکی در ایران بسیار مشکل است و مرکزهنرهای نمایشی باید هماهنگی های بیشتری را با گروه ها بکنند.

چرا به رغم مشکلات زیادنمایش عروسکی را انتخاب کردید؟

کار عروسکی کاری است که درونیات کارگردان را به بهترین وجه می تواند مطرح کند. دنیای عروسکی عمیق ترین مفاهیم و فلسفه ها را می تواند مطرح کند.

نمایشتان متعلق به چه گروه سنی است؟

بزرگسال.

درباره نمایش عروسکی بزرگسال کمی توضیح دهید.
در جامعه ما عروسکی برای کودکان شناخته شده است اما برای بزرگسال نه. و هیچ آموزشی هم نیست که این طرز تفکر ارائه شود. من کار برای بزرگسال را دوست دارم چون مشکل است و عمیق ترین مفاهیم را می تواند مطرح کند.

فکر می کنید یک نمایش عروسکی بزرگسال چه تأثیری روی مخاطبانش دارد؟

راستش در جامعه ما دقیق نمی دانم.

و حرف آخر ...

به همه بچه های عروسکی خسته نباشید می گویم.

لطفاً خلاصه نمایشتان را بگویید.

خالقی، عروسکی خلق می کند. عروسک در طی اتفاقاتی که برایش می افتد به بینش خاصی می رسد و این حوادث منجر می شود بر علیه خالق خود طغیان کند.

نویسنده این نمایش خودتان هستید؟

بله، من و حمید قاسمی.

تحت تأثیر داستان یا افسانه ای نوشتید؟

نه، طرح اولیه آن را نیز خودم نوشتم.

این خلاصه داستانی که گفتید چه ویژگی داشت که

تصمیم گرفتید آن را عروسکی اجرا کنید؟

به علت تصاویر بسیار زیبایی که ایجاد می کند فکر کردم باید عروسکی اجرا شود و عروسک قابلیت های نمایشی بیشتری برای ایجاد تصویر دارد و می تواند مفاهیم بیشتری را به تماشاگر منتقل کند.

اما پر از فانتزی نیست ...

بله فانتزی این نمایش زیاد نیست اما به نظرم تصاویری در متن هست که نمی توان آن را زنده اجرا کرد.

سالن مناسب این نمایش در اختیارتان گذاشته شد؟

بله سالن سایه در اختیارم گذاشته شده که سالن بسیار مناسبی است. عروسک های من با تکنیک سیاه اجرا می شوند و سالن سایه ویژگی اجرایی تکنیک سیاه را دارد.

چرا تکنیک سیاه را انتخاب کردید؟ به دلیل سهولت

اجرای آن؟

نه به نظر من این تکنیک به دلیل اینکه برای هر عروسک دو سه نفر را احتیاج دارد و هماهنگی بین عروسک گردانان آن مشکل است. اتفاقاً جزو تکنیک های بسیار سخت است.

پس چه دلیلی برای انتخاب این تکنیک داشتید؟

به فضای سیاه نمایشم می خورد. احساس کردم فضای این

آب، باد، خاک، تنهایی

بی تا ملکوتی

از نام نمایش پیداست که با نمایش متفاوتی روبرو هستیم. سالن تاریک است. صدای زن و مرد جوانی که با هم صحبت می‌کنند، انگار در رستورانی هستند. چند سیاه پوش با چراغ قوه راه‌های نوری برای مخاطب ایجاد می‌کنند تا سرجهایشان بنشینند. بعید به نظر می‌رسد با وجود دیالوگ‌های رئال با فضایی رئالیستی مواجه شویم و حدس‌مان درست از آب در می‌آید. با روشن شدن چهره سه عروسک نسبتاً بزرگ و همینطور چهره ستاره پسبانی با



می‌شود و یا از قبل در بند او بوده. در حقیقت نمی‌توان زمانی برای سیر حوادث قصه مشخص کرد. هر کدام از اپیزودها می‌تواند قبل و یا بعد از هر اپیزودی باشد. دختر جوان در کابوس پیوند با مرد عبوس، لباس عروسی برتن می‌کند در حالی که نزدیک زایمان خود است. کابوس عروسی به تولد ماه می‌پیوندد و دختر گویی قربانی ماه می‌شود.

اصلاً کل نمایش انگار کابوس زنی است که در ذهن مردی زندگی می‌کند.

زنی که حالا دیگر حضور فیزیکی ندارد و جای صندلی‌اش مقابل صندلی مرد در رستوران (در فصل پایانی نمایش) خالیست. تنهایی مرد در پایان و اندوه عمیق‌اش اثر را از غلطیدن به ورطه شعارهای فمینیستی می‌رساند. حتی اگر تم نمایش، مظلوم بودن ابدی - ازلی زن در طول اعصار تاریخ باشد و یا تنهایی نوع بشر اگر چه در کارهایی که به حیثه کانسپچوال آرت (Conceptual Art) نزدیک می‌شود. استخراج تم و پیام، کار عبثی است و نمایش "روی ماه نام تو را دستی نوشته است" یک نمایش کانسپچوال است با ترکیبی از عروسک‌های بلند با صورت‌هایی سفید همانند ماسک عروسک‌گردان‌هایی با لباس‌هایی سفید و بازیگری که انگار درون عروسک شخصیت زن جوان است. افکت، موسیقی آرایه، نورهای متحرک و فضایی آبسترتک. روزبه حسینی در ایجاد این فضا و مریم فهیمی در شکل‌گیری آن المان‌هایی که مسیر دینامیکی اثر را به نقطه مورد نظر هدایت می‌کنند موفق بوده‌اند، حتی اگر کمی نمایش گنگ و برای مخاطب عام خسته‌کننده باشد.

فضایی آبسترتک رنگ و انتزاعی روبرو می‌شویم. دستی، پنکه‌ای را روشن می‌کند. باد در فضای کویری دشت می‌وزد. آفتاب پرستی روی تکه سنگی نشست است. انگار قرار است تمام وقایع از دریچه چشم او به مخاطب منتقل شود. دیالوگ در بین نیست و قطعات اپیزودیک نمایش سیری ضد روایت دارند. در نتیجه داستانی نمی‌توان برای نمایش متصور شد.

انگار دختری در بیابان گم شده است. ابتدا از فضای کویر دچار هیجان می‌شود. اما خیلی زود هیجان و شادی، جای خود را به تشنگی می‌دهد. آبی نیست تنها گرد و غبار و خاک است که همراه باد میهمان دشت است.

دختر جوان از دور سرابی می‌بیند به خیال آب جلو می‌آید اما آبی نیست. زنی پیر است که انگار در مرگ عزیزی به سوگ نشسته. زن پیر خود نیز جان می‌سپارد. آتش عنصر بعدی عناصر چهارگانه به کمک زیبایی‌شناسی قاب تصاویر نمایش می‌آید. زن جوان در بند مردی

گزارشی از نشست مطبوعاتی گروه‌های خارجی

فکر نمی‌کردیم ایرانیان اینقدر میهمان نواز باشند

حرفه‌ای نمایش سنتی کاسپار را سه سال است که در یک گروه سه نفره دنبال می‌کنیم.

او که به تنهایی اجرای هر دو نمایش را در ایران برعهده داشت گفت: "دوتن دیگر از اعضای گروه‌مان - یکی همسرم به دلیل بارداری و دیگری استادم به دلیل کهولت سن - نتوانستند در این سفر همراه من باشند."

او که در آلمان این نمایش را به شکل درمانی برای کودکان آسیب‌دیده اجتماعی اجرا می‌کند گفت: "قبلاً نام کاسپار، هنس فور و مستر هملین بوده که صدای ریز هنس فور بسیار به مبارک شما ایرانیها شبیه است چون ما در هنس فور نیز از چیزی شبیه صغیر استفاده می‌کنیم.

او در پاسخ به یکی از خبرنگاران مبنی بر انتقادی بودن "مبارک" و "کاسپار" گفت: "هنس فور در ابتدا یک شخصیت واقعی بوده به واسطه زبان تند و گستاخش قدغن شده و پس از آن به حیثه عروسی راه یافته گرچه چند سالی بود که کاسپار در حوزه کودکان اجرا می‌شد اما خوشحالم که به تازگی دوباره بزرگسالان نیز از مخاطبان این نمایش در آلمان شده‌اند."

او همچنین از روند اجرا و تمرینات گروه‌های تئاتر در آلمان صحبت کرده و گفت: "ما در هفته ۲ تا ۳ بار اجرا داریم و انجمن‌های فرهنگی مختلف امکانات مالی را برای ما فراهم می‌کنند."

او در پاسخ به یکی از خبرنگاران مبنی بر محوریت دیالوگ در نمایشش گفت: "این یک نمایش سنتی است که محور آن دیالوگ است و حق با شما است اما من در اجرای دوم سعی کردم کلمات و اصطلاحات فارسی بیشتری را در نمایشم به کار برم و تا حدودی هم توانستم همکاری جمعی تماشاگران ایرانی را نیز بگیرم."

چندروز پیش "بیلناپوویچ" کارگردان نمایش سایه‌هایی در شب - از صربستان - به همراه اعضای گروهش در جلسه مطبوعاتی حضور یافت. او که ۱۷ سال سابقه بازیگری را دارد در حال حاضر مدیریت تئاتر عروسی شهر (نیش) صربستان را نیز به عهده دارد.

او ضمن معتنم شمردن حضور شان در ایران گفت: "امیدوارم خبرنگاران که این رسالت انسانی را به عهده دارند بستری را فراهم کنند که ارتباط دو طرفه ما و ایران همواره حفظ شود." او مخاطبان ایرانی را مخاطبینی با شعور، فرهنگ دوست و هنرشناس خواند و گفت: "هرگز فکر نمی‌کردم ایرانیان اینقدر میهمان نواز باشند."

او در پاسخ به یکی از خبرنگاران درباره شناختش از مبارک ایران گفت: "به دلیل عدم وجود ارتباط هنری بین دو کشور تئاتر شما کاملاً ناشناخته است و به شدت اصرار دارم که ارتباط تئاتر دو کشور گسترده تر شود اما بخش‌های هنری دیگر ایران مثل سینما برای ما شناخته شده است."

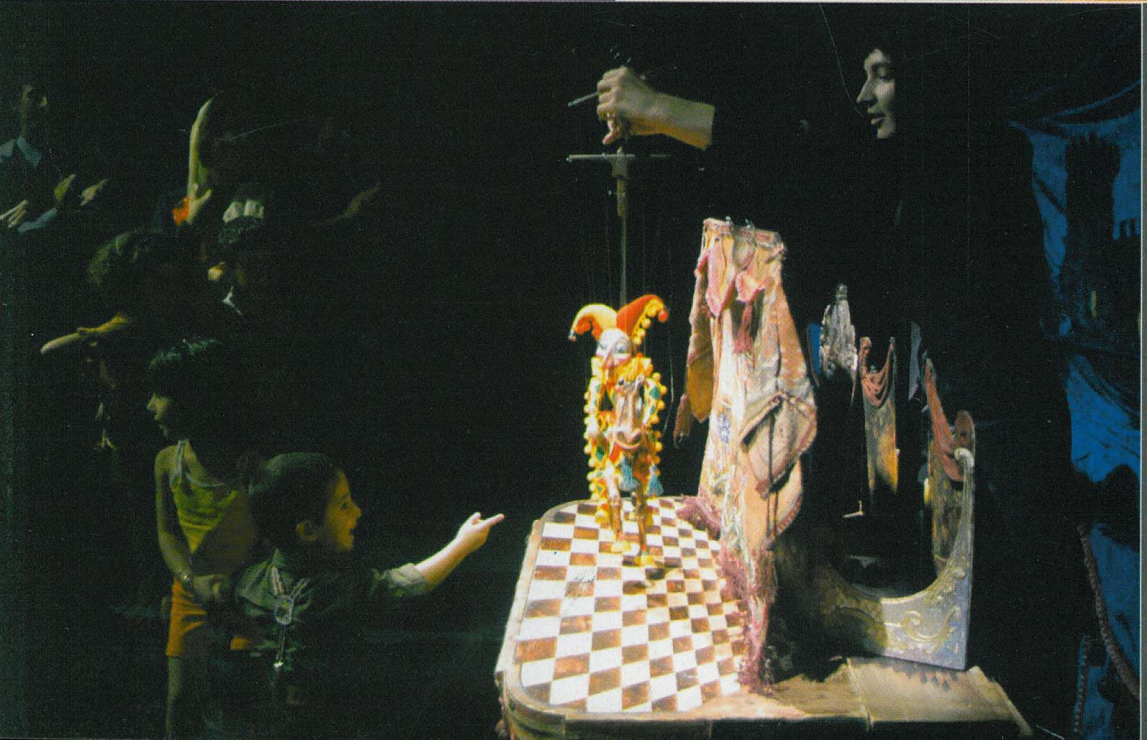
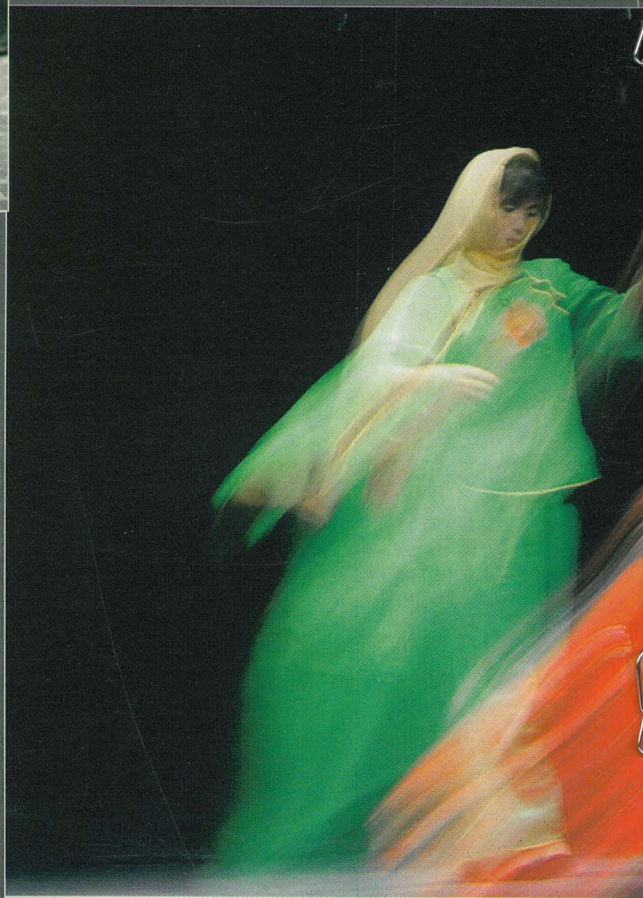
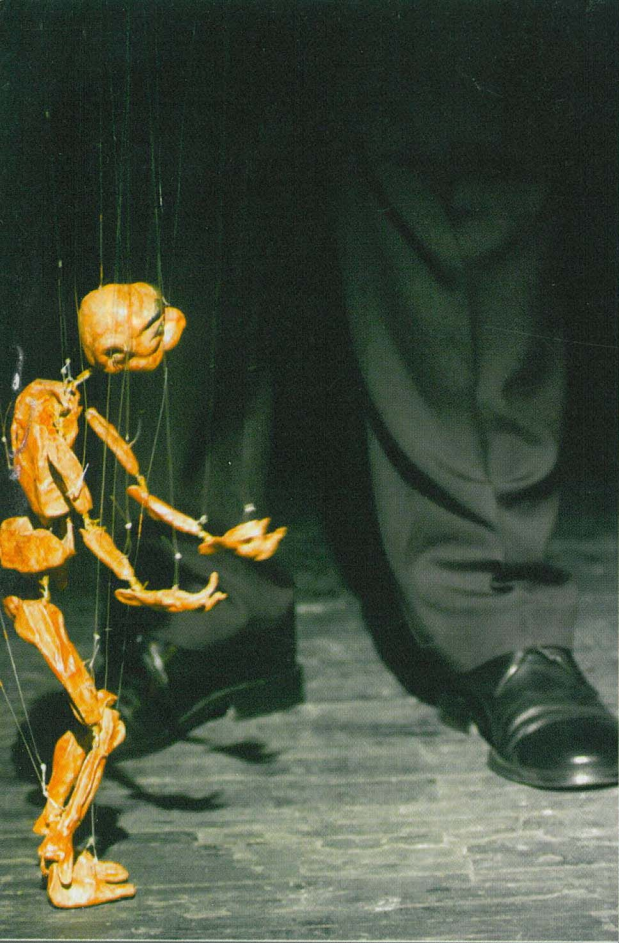
او در پایان در باره تکنیک سایه توضیح داد: "سایه قابلیت‌هایی دارد که با بدن و جسم نمی‌توان به آن رسید اگر نمایش را نگاه کرده باشید می‌بینید که متعلق به بزرگسالان است و این تمهیدی بود تا مخاطب بزرگسال را به کار عروسی علاقه‌مند کنیم."

"آشنایی با پهلوان کچل"

در جلسه مطبوعاتی آندریاس کیلگر کارگردان آلمانی نیز در باره مسیر حرفه‌ای که وارد آن شده است توضیحاتی داد و از شباهت‌های تئاتر سنتی عروسی آلمان (کاسپار) با "مبارک ایرانی" ابراز خوشنودی کرد.

او فعالیت حرفه‌ای اش را ۱۲ سال اعلام کرده و گفت: "به طور





نگاهی به نمایش آدم‌ها و دیوها به کارگردانی مریم کاظمی

دیوهایی با رویای انسانی

محمود رضا رحیمی

"سراسر" و "ستراسر" دو دیوی هستند که با هم ازدواج می‌کنند و هدیه‌یی که به هم می‌دهند، ماه، خورشید و باران است. در روی زمین نیز آدمهایی به زندگی مشغول هستند، آنها وقتی باران و ماه و خورشید را با هم می‌بینند دستخوش ناملایماتی ناشی از خرافات می‌شوند. اما این دو دیو نمی‌خواهند دیو باقی مانده و حتی آدم نیز نمی‌خورند بنا بر این از دنیای دیوها اخراج شده و به دنیای آدمها می‌پیوندند.

آدمها و دیوها از درجه رویاهایشان انتخاب می‌کنند که دیو باقی بمانند یا آدم باشند و این راه‌های دو طرفه بوده و همیشگی.

آدمها و دیوها نمایش عروسکی که برای رده سنی خاصی آماده صحنه شده و در نوع خودش با ابتکارهایی همراه بود. این نمایش در کل از نگره‌های تجربیدی در داستان بهره می‌برد. اما این نگره در نحوه اجرا کمک چندانی نمی‌کرد. داستان نمایش، دیوهایی را ترسیم می‌کند که چون به رحم و شفقت روی آورده و از خصلتهای دیوسیرتی خویش دست بر داشتند. از دنیای خود رانده و به دنیای آدمها آمدند. این زاویه دید به نوعی تبعیتی تجربیدی از پینوکو با "دیو و دلبر" است؛ با این تفاوت که در یکی عروسک دست‌ساز انسان به واسطه حضور یک فرشته مهربان به انسان تبدیل می‌شود و در دیگری دیوی به عشق یک انسان، کسوت انسانی به خود می‌گیرد. در این داستان دیوها که آروزیایشان برای انسان دست و پاگیر است به خاطر رفتار خوب خود و یا به قول نمایش رویای آدم

شدن به این لباس در می‌آیند. چنین داستانی فقط در نمایش عروسکی یا انیمیشن توانایی ایجاد ارتباط با مخاطب را دارد. به این لحاظ فکر ابتدایی این نمایش که به یک داستان در حوزه فانتزی می‌پردازد درست انتخاب شده است. عروسکهای دیو کره‌هایی هستند با چهره‌هایی نقاشی شده که زن و مردی را نشان می‌دهند. این کره‌ها با چراغهایی که درونشان تعبیه شده روشن و خاموش می‌شوند. این دو عروسک در سطح‌های بالاتری به بازی می‌پردازند. دو جعبه نیز که دارای چندین حفره است و هر حفره خانه‌ای را نشان می‌دهد که در هر خانه آدمهایی از نوع عروسک دستکشی زندگی‌های مختلفی را نشان می‌دهند.

این متن نمایش رخدادهایی است که بر اثر تضاد رفتاری آدم‌ها و دیوها به وجود می‌آید. و نمایش را پیش می‌برد. چیزی که برای اجراهای بعدی مستلزم نگاه جدیدتری است کم کردن قطعه‌های مکرر داستانی نمایش است. این قطعه‌ها به خاطر نشان دادن زندگی در هر خانه به وجود می‌آید و به تدریج روال پیش برنده اجرا را از بین می‌برد. دیگر پیشنهاد اجرایی، درگیری گروه برای رسیدن به وقت تعیین شده بود.

شاید هم تقطیع زیاد داستان باعث شده بود که گروه اجرایی غوطه ور در یک تعجیل خود کرده به سرعت قبل از تمام شدن یک صحنه مکعب‌ها را بازکنند یا ببندند.

البته نگارنده در نظر خواهد داشت که این اجرا در گیر و دار رسیدنها و نرسیدن‌ها به جشنواره کمی بر سرعت و یا شتاب خود را تا این حد قابل قبول رسانده است.

در عین حال دیدن این کار که دارای ظرایف زیادی است این امیدواری را برای مخاطب رده سنی خود به همراه خواهد داشت که برای اجراهای عمومی به نظم بیشتری برسد.

در انتها باید گفت آدمها نیز می‌توانند دیو باشند و بالعکس به شرط آنها که رویاهایش را داشته باشند. در این اجرا حرف‌همان است که چند بار گفته می‌شود یعنی: میان ماه من تا ماه گردون - تفاوت از زمین تا آسمان است.

نگاهی به نمایش "وارتیه عروسکها" از کشور پرتغال

مهارت عروسک گردانی

رضا آشفته

او در قطعات سوم تا نهم به ترتیب نوازندگی پیانو رقص مدرن، ایجاد حرکت باموسیقی کلاسیک، رهبری ارکستر، آواز خوانی با موسیقی پاپ، آواز خواندن و نواختن ترومیت، گربه ملوس و ناز را به نمایش می‌گذارد. در هر یک از این تجربه‌ها به ریزه کاری‌های مهارت عروسک گردانی اشاره می‌کند. یکی از پیچیده ترین عروسک‌ها در این نمایش، عروسک رهبر ارکستر است که عروسک گردان با دقت و ملاحظه بیشتر از پس هدایت آن و هماهنگی آن با موسیقی بر می‌آید. او آن قدر در هدایت عروسک انرژی صرف می‌کند که برای لحظاتی نمایش جنبه طنز و کمدی به خود می‌گیرد.

همچنین نصب و راه اندازی عروسک‌های دستکشی نیز از جمله مهارت‌های قابل توجه این عروسک گردان پرتغالی است که هر بیننده‌ای را مجذوب خود می‌کند، پیش از هر چیزی به سختی کار پی برند و در ادامه هدایت گری صحیح عروسک‌ها و ایجاد یک فضای نسبتاً مفرح و شاد از این همه توانایی هنرمندانه و خلاقانه به وجود آید. یعنی توانایی عروسک گردان در جان بخشی به عروسک‌ها کاملاً استادانه جلوه می‌کند و سالن خالی از تماشاچی این حسرت را در دل می‌آفریند که ای کاش دانشجویان نمایش عروسکی حضور داشتند و از این همه توانایی آموزشی بهره لازم را می‌بردند.



نمایش "وارتیه عروسکها" از کشور پرتغال در بر گیرنده ۹ قطعه نمایش بدون داستان است.

پیش از شروع نمایش روی دو سکو و دو چوب رختی چند عروسک دستکشی و ماریونت را می‌بینیم که در انتظار عروسک گردان هستند. این انتظار با ورود عروسک گردان شکسته می‌شود که در حضور تماشاچیان مقدمات کار را آماده می‌سازد. او به دقت عروسک دستکشی کودک را روی دست چپ سوار می‌کند، با موسیقی متمرکز می‌شود و سپس با کودک ارتباط برقرار می‌کند. کودک که نازو ادا در می‌آورد، در گوشه حرف می‌زند و از مرد می‌خواهد که با او برقصد. آن دو می‌رقصدند و ... این لحظات با خواب کردن کودک تمام می‌شود.

عروسک دوم یک ماریونت است، که باید عربی برقصد. این بار نیز عروسک گردان با هماهنگی لازم و ایجاد ریتم و برقراری ارتباط ظریف و دقیق با عروسک و موسیقی به اجرای یک رقص قابل توجه می‌رسد. این عروسک گردان که با مهارت و استادی در حضور تماشاچیان پس از طی کردن مقدمات با عروسک‌ها ارتباط برقرار می‌کند، در هر قطعه گوشه‌ای از توانایی‌های حرفه‌ای یک عروسک گردان را آشکار می‌سازد. به عبارتی او در این نمایش می‌تواند خیلی‌ها را با تکنیک عروسک گردان دستکشی و ماریونت - آشنا سازد و نمایش "وارتیه‌های عروسک" ضمن سرگرم کنندگی محض، به لحاظ آموزشی نیز جاذبه مهمی است.

در دومین روز از دهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران، نمایش "درخت جادویی" از ترکیه اجرا شد.

این نمایش یکی از نمایش‌های سنتی کشور ترکیه است. شخصیت "قره‌گوز" که شخصیت اصلی این نمایش است در کشور ترکیه کار کردی مانند شخصیت "مبارک" در نمایش‌های سنتی ایران دارد.

این شخصیت کوچک شوخ طبع همه را سر کار می‌گذارد و حتی با اوستای نمایش هم شوخی می‌کند. نمایش "قره‌گوز" از تکنیک سایه برای اجرای خود سود می‌برد.

تکنیک سایه این امکان را به عروسک گردان می‌دهد که علاوه بر شوخی‌های کلامی از شوخی‌های تصویری نیز بهره‌برد و همین نکته تفاوت اساسی مابین "مبارک" و "قره‌گوز" را ایجاد می‌کند.

مبارک برای خنداندن تماشاگر فقط به شوخی‌های کلامی متکی است. این شوخی‌ها از عدم فهم درست معنای کلمات و تلفظ اشتباه کلمات شکل می‌گیرد. اما شوخی‌های کلامی "قره‌گوز" از شیطنت و بدجنسی وی نشأت می‌گیرد و شاید همین نکته جذابیت وی را دو چندان می‌کند.

در نمایش "قره‌گوز" عوامل ماوراءطبیعی مانند جن، فرشته و ... نقش مهمی را ایفا می‌کند. این نقش در حدی است که معمولاً این نمایش‌ها با کمک همین عوامل تمام می‌شوند.



به بهانه اجرای نمایش "درخت جادویی" از ترکیه

این شیطان جذاب

کامییز اسدی

به‌طور مثال در انتهای هر نمایش یک فرشته می‌آید و قره‌گوز را به خاطر شیطنت‌هایش تنبیه می‌کند که ما حاصل آن این است که قره‌گوز از کار خود بشیمان می‌شود. از نکات دیگر نمایش "قره‌گوز" استفاده از تکنیک‌های کم‌دی اسلپ استیک در این نمایش است. صحنه‌های دعوا و بزب بزب قره‌گوز با دیگر شخصیت‌های نمایش از صحنه‌های جذاب این نوع نمایش است. باید گفت این شخصیت نسبت به مبارک بسیار خشن تر و بزب بهادر تر است!

اما جالب توجه‌ترین نکته نمایش‌های "قره‌گوز" که داستان‌های مختلفی نیز دارد، شروع آن است. در ابتدای هر نمایش "قره‌گوز"

تماشاگران گلدانی را می‌بینند که یک زنبور روی آن می‌نشیند. با نشستن این زنبور که با سایه دست عروسک گردان ساخته می‌شود، داستان شروع می‌شود و تماشاگران ماجراهای جذاب "قره‌گوز" را می‌بینند.

شخصیت عروسکی "قره‌گوز" در کنار شخصیت‌های عروسکی چون "پانچ وجودی" از شهرت جهانی برخوردار است. به‌صورتی که هم اکنون نمایش‌هایی از این شخصیت جذاب در اکثر کشورهای جهان اجرا می‌شود و مردمان آن کشورها، ترکیه را با "قره‌گوز" می‌شناسند.

اگر چه این نمایش برای اولین بار در ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی اجرا شده بود، اما دیدن دوباره این نمایش امکان شناخت بهتر این شخصیت عروسکی و سنتی ترکیه را برای تماشاگران ایرانی فراهم کرد.

یادداشتی برنمایش "سیندرلا" از کشور روسیه

لنگه کفش "سیندرلا" در سرزمین نخ‌ها و عروسک‌ها

اصغر دشتی

تمرکز و تنوع اجرای تنها عروسک گردان نمایش است. عروسک گردانی که با بند بند انگشتان خود آنچنان نخ‌های عروسک‌ها را تحت کنترل خود در می‌آورد که حتی یک نخ برای لحظه، فرصت گریز از این انگشتان تربیت شده را پیدا نمی‌کند.

همه چیز در جای خود قرار دارد. حتی نمی‌توان نسبت کیفیت و قدرت در عناصر مختلف اجرا را با هم قیاس کرد؛ چرا که همه عناصر در یک حرکت موازی مخاطب را با یک پدیده حیرت‌انگیز رو برو می‌کنند. عروسک‌های کوچک نخ‌های کوتاه و در مساحت محدود صحنه در دستان یک عروسک گردان جهانی را می‌سازند، که تنها در رؤیاهای ما جا باز می‌کند. رؤیاهایی که گاهی تئاتر عروسکی کشور ما چون پدیده‌ای دست نیافتنی با آن برخورد کرده و بعضاً تبلی جایگزین سادگی شده‌است و به‌عبارتی دیگر، عنوان سادگی را بهانه‌ای برای عدم مهارت‌های خودی قرار داده‌ایم. گاهی با آثاری روبرو می‌شویم که اندر مهارت آن گفتن شاید یک جمله کافی باشد و شاید یک دفتر کم...

"سیندرلا" به یقین از نمونه اجراهای عروسکی است که در خاطره تماشاگرانش خواهد ماند. همچون چندین نمایش عروسکی که از سالیان پیش و دوره‌های قبلی فستیوال عروسکی در خاطر ما نقش بسته‌اند.

مگر از اجرای یک تئاتر، انتظاری جز یکدستی، مهارت و باور پذیری داریم؟! حال اگر تئاتر مورد نظر عروسکی باشد، همه این عناصر چند برابر مورد نیاز خواهند بود و "سیندرلا" همه را به یک اندازه و کافی در اختیار داشت. سیندرلا به ما نشان داد، حتی اگر گروهی خلاقیت نوینی در تئاتر عروسکی‌اش مورد استفاده قرار ندهد، هنوز که هنوز است مهارت در اجرای عروسک‌نخی به‌عنوان یکی از نخستین اشکال عروسکی در سرزمین مهندخ‌ها و عروسک‌ها قدرت باور نکردنی در متحیر کردن مخاطب دارد.

بی‌مقدمه باید شروع کرد و البته هیجان‌انگیز - همه چیز در مساحت دومتر مربع و توسط یک نفر رخ می‌دهد به مدت ۴۵ دقیقه؛ بدون اضافات باور نکردنی است!! حتی یک ثانیه اضافه نمی‌بینم ایجاز محض برای روایت داستانی افسانه‌ای...

"سیندرلا" ریشه در افسانه‌های رؤیا پردازانه‌ای دارد که سراسر دنیا نمونه‌ای از آن را از آن خود کرده‌اند. و با نام جهانی "سیندرلا" برای همگان شناخته شده است. اینجا می‌خواهم از یک تطبیق حرف بزب - تطبیق یک افسانه با شیوه‌ای از تئاتر - به همان اندازه که "سیندرلا" رؤیا پردازانه است، اساساً تئاتر عروسکی هم رویا پردازانه است.

"سیندرلا" در تصویر همیشه در گونه‌انیمیشن قدرتمند ظاهر شده و در صحنه هم به یقین شیوه عروسکی (از هر نوع) می‌تواند بستر مناسبی برای روایت دوباره آن باشد. داستانی آشنا که همراه با پیش فرض‌ها و بازشناخت‌های مشخص مان به سراغش رفته‌ایم و هر شکلی و شمایی که بتواند باعث رها شدن ما در رؤیا و فانتزی شود، به یقین راه‌جذاب و نمایشی برای ارتباط و باور پذیری است.

لازم نیست از افسانه‌های سیندرلا بیشتر گفت و همین نکته که ایجاز و حذف اضافات در نگارش اثر مورد توجه قرار گرفته، نشان از گام محکم نخستین خالقان این اجراست.

نمایش عروسکی؛ نمایش خلاقیت است و مهارت، جان بخشی و ایجاد حس باورپذیری از نوع فانتزی در ذهن مخاطب. "سیندرلا" ضمن جذابیت قصه، ما را باجهانی در اجرا روبرو می‌کند که مکمل جهان "سیندرلا" است. طراحی صحنه از جنس تخیل کودکان است که تا سنین بالا، دست از سرمان بر نمی‌دارد و طراحی عروسک و موسیقی ... همه و همه در ادامه این دقت قرار دارند.

از همه هیجان‌انگیزتر (که حتی تماشاگران را بر آن می‌دارد تا به دفعات در میان اجرا کف دستهای خود را به هم بکوبند)، انرژی، مهارت



Iranian people are so kind

Anderias Kilger, the German director of the plays "Grandma has an appointment" and "The Birthday of the Princess" held a press conference in the presence of some reporters.

Kilger expressed his happiness in finding some similarities between the traditional German puppetry "Kaspar" and Iran's "Mobarak" and told the reporters: "I have been performing the Kaspar traditional play for three years by a group of three persons but this year I have performed it by my own."

Answering a question about the critical features of both puppets "Kaspar" and "Mobarak" Kilger noted: "Before Kaspar was called "Hans for" and his sheer voice is similar to Mobarak. "Hens for" was at first a read character who had a sharp and critical tongue and that was entered to the puppet world. For some years this play was only performed for children but later on and recently adults are also its spectators."

Kilger gave some explanation about the dialogues in his play and added "this is a traditional and dialogue centered play but I have tried in the second act to use more Persian terms and words use. At the end he gave his opinion about Iranian puppet play and told to the reporters". I didn't have any background of Iranian puppetry and just knew through the internet that Iran has some good traditional plays. I came to get acquainted with Mobarak in Iran and I'm interested to see "Pahlavan Kachal" because: It's interesting that this character is so similar to the "Punch" of England and "Puncillo" of Italy.

Bilna Bouich, director of the play "Shadows in Night" from Serbia participated in a press conference with members of his theatrical group.

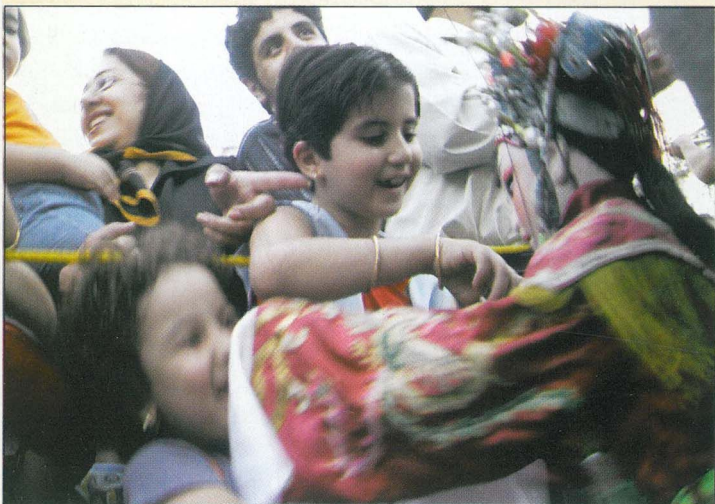
He, who has 17 years experience in acting, at present is director of the puppet theatre of the city Nish in Serbia.

The theatrical group of Bouich is consisted of 18 actors and actresses and has stages up to now 19 plays.

Bouich answering a question about the age range of the spectators of his play "Shadows in the Night" told to the reporters" we have experience working with children, youngsters and adults. But we chose this play to be performed in Iran aimed at young people."

Bouich expressed hope to broaden the cultural relation between Serbia and Iran and told to the reporters: "Iranian theatre is still unknown to us because the lack of cultural relations between both countries but we're quite acquainted with your cinema."

Bouich noted that the situation of their puppet theatre is now better than before and added: "My play is about the common problems of all women." He, whose play is performed by shadows explains: "Plays with shadow have some advantages that could not be achieved by the body itself. If you watch this play carefully you would notice that it is aimed at adults and our real purpose was to make adults interested in puppet plays. At the end he called Iranian spectators so intelligent and artistic and added: "I never thought that Iranians are so hospitable."



Students have opened Bright Horizons

Yousef Sediq is a university professor in puppet theatre; a master under whose tutelage, every student in this course has learnt so many lessons and passed a lot of units.

He, in this year's puppet festival is appointed as a member of the selection committee and all the plays we see throughout the festival have been partly chosen by him and other members.

Following is a short interview with him about this year's plays, the university and the puppetry course in our country and the difficulties, students of this course face.

How do you assess this year's plays compared with last year?

Anyway each year that passes we hope to have stronger works and progress in technique and consistency. This year of course we had a lot of good plays.

And what about the provincial category? How were the plays in terms of quality?

There were a lot of good works but a rarity was that some provincial groups which in previous year had such good plays came down in performance this year, which are hopefully trying to overcome and get better by some guidance.



In your opinion what caused this deterioration in quality?

We have told this a ten thousand times and now I will repeat: Puppet groups need values for performance and also people's support. I don't necessarily mean money and materialistic things but if we without our support what else would remain? In some provinces there's a good understanding of puppet groups and their activities but in other provinces we can't find the same ideology and we should note that some puppeteers and students in this generous assurance and that's why they feel humiliated later on and their incentive starts to dry up.

How was the quality of the plays in the provincial category?

Our students have opened new and bright horizons towards us and we're so hopeful. In the past few years the world has come to know our puppetry owing to the efforts of these students (puppetry students) and cooperation of the organizers. We have always seen some creative plays from students and right now their work is a big revolution in the puppet family. These students have proven that puppetry is not just a play for children.

The visit of foreign groups with Dr. Neshan

Members of the performing puppet groups of Russia, Turkey and Portugal visited Dr. Khosrow Neshan, the president of the Dramatic Arts Center and Behrouz Gharib-Pour, Deputy Secretary of the Festival and the president of Mobarak (UNIMA).

The members of these groups which had a chance to see some Iranian puppet plays expressed the hope to have broader relations with Iranian.

The Russian group which saw the play "Not beautiful, not ugly" by Hasan Dadshekar, on the first day of festival had high praises for the play and expressed their desire to invite not only Hasan Dadshekar's group but also other Iranian puppet groups to their country during their own local festivals.

The performing group from Turkey expressed their desire to invite the solo performer puppet show and also the multi performer puppet shows to their next festival in Istanbul.

The performing group from Portugal which had seen the traditional Iranian puppet show (Kheyime Shab Bazi) before in their own festivals are interested into getting more acquainted with this kind of traditional puppetry.

The group was also astonished with the huge presence of Iranian women artists in puppetry and were more astonished by noticing that 80 percents of the artists in this field are women. They noted that this matter was completely different with their previous imaginations about the role of Iranian women in Dramatic Arts and praised it.

10TH TEHRAN INTERNATIONAL
PUPPET THEATER FESTIVAL
sep.15,2004

Mobarak



Cinderella
everyone's fairy